

## تأثیر فعل غیرمادی در قتل در فقه و حقوق

### ایران و افغانستان

عارف حمداللهی<sup>۱</sup>

حسین انصاری (نویسنده مسئول)<sup>۲</sup>

### چکیده

جرم قتل می‌تواند با انواع رفتار مجرمانه صورت بگیرد که مهم‌ترین آن‌ها فعل یا ترک فعل می‌باشد. در مطالعه رفتار ارتكابی در قتل از نوع و یا نحوه ارتكاب آن فعل بحث می‌شود. نوع فعل ارتكابی در جنایت قتل به مادی و غیرمادی تقسیم شده است. فعل غیرمادی در قتل عبارت است از عمل ارتكابی بدون اینکه اثر ظاهری بر جسم مجنی علیه باقی بگذارد واقع شود. مصادیق فعل غیر مادی عبارت‌اند از ارباب و ترساندن، القائات روانی، علوم غریبه از جمله سحر و جادو، ایجاد شوک عصبی، شورچشمی یا چشم زخم، انتقال ویروس‌های نوعاً و نسبتاً کشنده همانند ایدز، کرونا و... اپیدمی ایدز و کرونا یک پدیده نوظهور است که متأسفانه هنوز به صورت صریح در نظام‌های حقوقی مورد توجه قرار نگرفته است. با توجه به اینکه این افعال غیرمادی می‌توانند در قتل اثر عمده‌ای داشته باشند، باید مورد توجه نظام‌های حقوقی قرار گیرد. هرچند که می‌توان برخی از مواد قانونی قوانین موضوعه را بر موارد فوق تطبیق داد؛ کما اینکه در فقه هم فقهای معاصر در این موضوع اظهار نظر کرده و افعال غیر مادی فوق را دارای منشأ اثر می‌دانند.

**کلید واژه‌ها:** قتل، تأثیر، فعل غیرمادی، ارباب، سحر، شوک عصبی، شور چشمی.

۱. دبیر پژوهشی گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی جامعه المصطفی علیه السلام العالمیه نمایندگی خراسان

۲. کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی جامعه المصطفی علیه السلام العالمیه نمایندگی خراسان

انسان موجودی است که متشکل از دو بعد جسم و جان و به تعبیر قرآن کریم، نفس می‌باشد و دارای کرامت انسانی است که گاهی مورد بی‌حرمتی هم‌نوع خودش قرار می‌گیرد و این نفس را از جسم جدا می‌کند که به عنوان قتل یاد می‌شود.

جرم قتل یکی از جرایم خشونت‌آمیزی است که بر جسم و جان انسان از جانب انسان دیگر صورت می‌گیرد. قتل می‌تواند با انواعی از افعال مجرمانه (اعم از رفتار و گفتار) تحقق پیدا کند که یکی از آن افعال، افعال غیرمادی می‌باشد. با توجه به اینکه، جرائم افعال غیرمادی اصولاً افعال درونی است و تأثیر آن غیرملموس و غیر محسوس است و از طرفی جرم، هنگامی محرز می‌شود که بروز و ظهور خارجی پیدا کند و از دید حقوق کیفری هم افعال مرتکب باید جرم‌انگاری شده باشند و همچنین رابطه علیت بین رفتار مجرمانه مرتکب و نتیجه حاصله باید محرز گردد، از آنجایی که افعال غیرمادی تأثیر ظاهری و قابل لمس و قابل حس بر جای نمی‌گذارد، لذا این مسئله کم و بیش پیچیده و مبهم به نظر می‌رسد که باید تبیین گردد. پژوهش پیش رو در پی بررسی تأثیر افعال غیرمادی در قتل از منظر فقه اسلامی و قوانین موضوعه دو کشور جمهوری اسلامی ایران و جمهوری اسلامی افغانستان می‌باشد تا ببیند که تأثیر افعال غیرمادی در فقه و قوانین موضوعه چگونه بیان شده است.

در موضوع فوق، پژوهش‌های اندکی به چشم می‌خورد؛ عبدالصاحب اسکندری در سال ۱۳۸۰ پژوهشی با عنوان تأثیر فعل غیرمادی در قتل به تبیین و تشریح نوع قتل با افعال غیرمادی پرداخته است. روح‌الله سالاری خالص نیز در سال ۱۳۹۶ به بررسی تأثیر رفتار غیرمادی در ماهیت قتل در حقوق کیفری ایران پرداخته است. با این حال در حقوق کیفری افغانستان به این موضوع پرداخته نشده است. از همین رو تحقیق حاضر به شیوه توصیفی تحلیل انجام شده است؛ روش گردآوری منابع کتابخانه‌ای بوده که با تحقیق و تفحص در منابع حقوقی ایران و افغانستان و فقهی اسلامی انجام شده است.

## ۱. انواع افعال مجرمانه در قتل

صادقی در کتاب جرایم علیه اشخاص، صورت‌های دخالت در وقوع جرم را این‌گونه بیان می‌کند: جانی ممکن است با ایجاد یکی از عوامل ذیل در وقوع جنایت یا هر جرمی دیگری مداخله نماید: علت، سبب و شرط.

وی با استناد به ماده ۴۹۲ قانون مجازات اسلامی ایران وقوع جنایت را فقط به دو صورت مباشر و تسبیب ممکن می‌داند و پس از تعریف و توضیح هر کدام، مباشرت را

قوی‌ترین نحوه دخالت در وقوع زیان و یا ارتکاب جرم و جنایت می‌داند و شرط را پس از بیان مثال و توضیح، در ایجاد جنایت مؤثر نمی‌داند. (صادقی، ۱۳۹۴: ۸۰)

گلدوزیان در مورد انواع افعال مجرمانه می‌گوید:

در بیشتر موارد عنصر مادی جرم یا به عبارت دیگر رفتار مجرمانه به صورت عمل یا فعل مثبت است، ولی رفتار مجرمانه به صورت منفی یا ترک فعل نیز قابل تصور است و سپس در پنج بخش مصادیق رفتار مجرمانه از نظر عنصر مادی جرم را بیان می‌کند؛ فعل، ترک فعل، جرم فعل ناشی از ترک فعل، داشتن و نگهداری و گفتار مجرمانه. (گلدوزیان، ۱۳۸۰: ۱۸۱)

در مطالعه رفتار مرتکب در قتل (عمدی)، نوع فعل مجرمانه و نحوه ارتکاب آن، مورد تفکیک و بررسی قرار می‌گیرد. مراد از نوع فعل ارتكابی، ماهیت آن است که ناظر به ذات وجودی فعل است. از این منظر، فعل مجرمانه به دو نوع مادی و غیرمادی تقسیم می‌شود. با توجه به اینکه مادی یا غیرمادی بودن به نفس فعل ارتكابی و صرف نظر از طریقه ارتكاب مربوط می‌شود، بحث، ماهیتی و مربوط به نوع فعل است. در مقابل، نحوه ارتكاب فعل در قتل عمدی ناظر به شکل ارتكاب فعل و طریقه رسیدن به نتیجه در قتل عمدی است که آن را می‌توان به با واسطه یا تسبیبی و بلاواسطه یا مباشرتی تقسیم نمود، لذا در نحوه ارتكاب، ماهیت فعل مورد بررسی قرار نمی‌گیرد، بلکه این طریقه ارتكاب فعل است که در عالم خارج بحث می‌شود. نتیجه آنکه بحث از نوع فعل، مربوط به ماهیت آن و بحث از نحوه فعل، مربوط به شکل ارتكاب است.

در تألیفات حقوقی، نوع فعل ارتكابی در جنایت قتل به مادی و غیرمادی (معنوی) تقسیم شده و تحقق قتل با هر یکی از آن دو قسم به‌طور جداگانه مورد بررسی قرار می‌گیرد، اما معیار تقسیم‌بندی فوق چیست و چه نوع فعلی را می‌توان مادی و یا غیرمادی دانست؟

حقوق‌دانان در تألیفات خود، این مطلب را مورد توجه قرار داده و کوشیده‌اند از دو نوع فعل مذکور تعاریفی ارائه دهند و در مورد تعریف فعل مادی، برخی از آنان چنین نوشته‌اند: منظور از رفتار فیزیکی در جرایم علیه تمامیت جسمانی اشخاص، رفتاری است که از مرتکب سرمی‌زند (مثل سم دادن، چاقوزدن، تیراندازی کردن و نظایر آن‌ها) و منتج به نتیجه مورد نظر؛ یعنی حسب مورد، مرگ یا جراحت صدمه جسمانی می‌شود.

منظور [از فعل مادی] فعلی است که به طور مستقیم یا غیرمستقیم بر بدن مجنی علیه اثر گذار بوده و مرگ در نتیجه صدمات وارده به عضو محقق می‌شود. (آقایی نیا، ۱۳۹۴: ۳۱)

فعل مرتکب باید عملی مثبت و مادی همانند سوزاندن، خوردن و زدن باشد؛ به عبارت دیگر لازم است که قاتل عملی مادی بر روی جسم مقتول انجام دهد. (سپهوند، ۱۳۸۶: ۳۸)

از تعاریف ارائه شده به این نتیجه می‌رسیم که ملاک و معیار برای مادی و غیر مادی بودن، برخورد و اصابت نمودن جسم خارجی با بدن اشخاص است.

فعل غیر مادی در قتل (عمد) عبارت است از اینکه عمل ارتكابی، بدون اینکه اثر ظاهری بر اندام فرد مجنی علیه باقی بگذارد، واقع شود و فرد جانی با انجام اعمالی که اثر ظاهری و ملموس ندارد، مانند ایجاد ترس و هراس و وحشت و خواندن ورد و القانات فاز روانی منفی تأثیر گذار بر سیستم روانی و عصبی وی، موجب مرگ یا ورود صدمه به او شود و فعل انجام شده علیه تمامیت جسمانی مجنی علیه اثر واضح و قابل رویت بر جای نگذارد. (سالاری، ۱۳۹۶: ۱۰)

در واقع، هرگاه بر سیستم روانی و عصبی انسان اختلالاتی به وجود آورده شود، و آن‌ها تأثیر گذار بر قتل و یا ورود صدمه بر مجنی علیه باشند که این اختلالات از جانب شخصی دیگر با سوء نیت صورت گیرد، حقوق دانان این اعمال و یا افعال صورت گرفته از طرف جانی را تعبیر به افعال غیر مادی در قتل نموده‌اند.

تعبیر به غیر مادی از این لحاظ می‌باشد که «غیر مادی» مربوط به غیر جسم می‌باشد و بر جسم اثر نمی‌گذارد، اما «مادی» مربوط به جسمیات و آنچه که در جسم اثر ملموس می‌گذارد است. آن دسته از افعال غیر مادی که بر جسم اثر نمی‌گذارند، اما منجر به نتیجه مورد نظر می‌گردند مانند مرگ ناشی از ترس، مرگ ناشی از تلقین روانی، مرگ ناشی از دعا و اوراد و... .

قابل یادآوری است که عنوان «فعل غیر مادی» در مواد قانونی ذکر نشده است، یعنی قانونگذار در هیچ یکی از مواد قانونی از این عنوان استفاده نکرده‌اند و فقط حقوق دانان و نویسندگان حقوقی برای افعالی که اثر ظاهری ندارند از واژه افعال غیر مادی استفاده کرده‌اند.

## ۲. تاریخچه جنایات ناشی از افعال غیر مادی

اگرچه بسیاری از حقوق دانان قائل هستند که علت قتل، حتماً باید یک امر مادی باشد، مانند «زدن»، «بریدن»، «سوزاندن»، «خوراندن»، «خفه کردن» و...، اما فقهای

اسلام به خلاف عقیده مذکور قائل هستند که افعال غیر مادی نیز تحت شرایطی صلاحیت انتساب قتل را به خود دارا می‌باشد. از جمله مسائلی که در این زمینه در فقه مطرح شده است، قتلی است که به سبب سحر و جادو و علوم غریبه ایجاد می‌گردد. بنا بر روایتی درباره «سحر النبی» در زمان حیات پیامبر اسلام ﷺ سحرانی بودند که با بستن گره به ریسمان و خواندن و دمیدن افسون به آن‌ها و انجام دادن برخی از اعمال جادوی در کار افراد گره می‌انداختند و آنان را جادو می‌کردند. (بخاری، ۱۴۰۷ق: ۲۱۷۶)

جنایات با افعال غیر مادی در سیر تقنینی نظام حقوقی ایران، در سال‌های ۱۳۲۴، ۱۳۴۱، ۱۳۶۱، ۱۳۷۰ و سرانجام ۱۳۹۲ مورد توجه قرار گرفته است که تفصیل هر کدام در جای خودش در همین تحقیق بیان شده است، اما متأسفانه در قوانین اساسی، مجازات، مدنی و... افغانستان، هیچ موردی از جرم‌انگاری جنایات ناشی از افعال غیر مادی دیده نمی‌شود. تنها در صورتی می‌توانیم جنایات ناشی از افعال غیر مادی را در افغانستان جرم بپنداریم که به فقه حنفی نظر نموده و عمل نماییم، زیرا در قانون اساسی افغانستان در ماده ۱۳۰ این قانون این گونه بیان می‌دارد:

محاکم در قضایای مورد رسیدگی، احکام این قانون اساسی و سایر قوانین را تطبیق می‌کنند، هرگاه برای قضیه‌ای از قضایای مورد رسیدگی، در قانون اساسی و سایر قوانین حکمی موجود نباشد، محاکم به پیروی از احکام فقه حنفی و در داخل حدودی که این قانون اساسی وضع نموده، قضیه را به نحوی حل و فصل می‌نمایند که عدالت را به بهترین وجه تأمین نماید.

مضاف بر آن، شاید بتوان از متن مواد ۷۷۴ و ۷۷۵ قانون مدنی افغانستان این تفسیر را نمود که مراد از «و یا دیگر انواع اذیت»، «یا هر عمل مضر دیگر» شامل زبان و ضرر ناشی از افعال غیر مادی هم گردد.

ماده ۷۷۴: شخصی که مرتکب فعل مضر از قبیل قتل، جرح، ضرب و یا دیگر انواع اذیت بر نفس گردد، به جبران خساره وارده مکلف می‌باشد.

ماده ۷۷۵: شخصی که به سبب جرح یا هر عمل مضر دیگر موجب قتل یا وفات شخص گردد، در برابر اشخاصی که نفقه آن‌ها به دوش متوفی بوده و به اثر قتل یا وفات از آن محروم شده‌اند، به تأدیه زمان مکلف می‌باشد.

### ۳. مصادیق افعال غیرمادی

در هیچ یکی از مواد قانونی و نیز در نوشتار حقوق دانان، مصادیق زیادی برای افعال غیر مادی به چشم نمی‌خورد؛ فقط به برخی از نمونه‌هایی که در فقه اسلامی ذکر شده حقوق دانان با تأسی از فقه اسلامی به مطرح نمودن آن پرداخته و یا جرم‌انگاری نموده‌اند.

با توجه به اهمیت این موضوع، شایسته است که نظام‌های حقوقی اسلامی در این مورد توجه بیشتری نمایند و حقوق‌دانان اسلامی در این موضوع بیشتر قلم فرسایی نمایند. مصادیقی را که حقوق‌دانان بر اساس استناد به روایات ذکر کرده و مورد دقت نظر قرار داده‌اند، از قبیل موارد ذیل است:

- فریاد زدن بر دیگری و وقوع موت بلا فاصله بعد از آن.
- کشیدن سلاح بر روی دیگری که هراس از آن منجر به مرگ گردد.
- قتلی که به وسیله سحر و علوم غریبه ایجاد شود. (صادقی، ۱۳۹۴: ۱۰۱)
- برانگیختن حیوان مانند اینکه باعث حمله سگ به سوی شخص شود و آن شخص از ترس فرار کند و منجر به حادثه گردد.
- انفجار صوتی، تأثیرگذاری بر سیستم روانی و عصبی وی.
- ایجاد شوق، هیجان، اضطراب و شادی زایدالوصف.
- اطلاع دادن اخبار ناگوار از طریق تلفن و ... .

نمونه‌های مذکور، مصادیقی است که در متون حقوقی ذکر گردیده که برخی از آن‌ها تحت یک عنوان قرار می‌گیرند و برخی دیگر را باید یک عنوان جداگانه به حساب آورد، بسیاری از آن‌ها تحت عنوان «ترس» قرار می‌گیرد.

### ۳. ۱. ارباب (ترساندن)

ترس در مفهوم یک واکنش احساسی و معمولاً ناخودآگاه و ناخوشایند که آدمی در مواجهه با خطر از خود نشان می‌دهد، مطرح می‌شود. ترس در زبان عربی با واژه‌های «خوف»، «رعب»، «ارعب» و «جبن» هم شناخته می‌شود، مثلاً «قعدت عن الحرب جبناً» به خاطر ترس، از جنگ عقب نشینی کردم.

هنگامی که عمل ترس آفرین به قصد ترساندن باشد و فرد هم بترسد، به عنوان «حالت تهدید و تهاجم مجرمانه» شناخته می‌شود، ولی چنانچه قصد فعل وجود داشته باشد، «نه قصد ترساندن» و منجر به ورود زیان گردد، آن گاه در شمار خطاهای مدنی است و از آن به عنوان «حالت تهدید و تهاجم خطایی» یاد می‌شود.

داستان یا روایتی است که در کتب اسلامی در مورد عفو پیامبر اسلام ﷺ از قاتل مه‌دور ال‌دمی است که از پیامبر اسلام ﷺ طلب عفو و بخشش می‌کند و از آنجایی که پیامبر اسلام ﷺ رحمت للعالمین است، قاتل مه‌دور ال‌دم را عفو می‌کند. یکی از آن‌ها هیار بن الاسود بود که وقتی ابوالعباس بن ربیع (داماد پیامبر ﷺ) همسرش زینب (دختر

پیامبر ﷺ) را که حامله بود به مدینه فرستاد، هیار در میان راه او را ترساند و بچه‌اش را سقط نمود و پیامبر ﷺ خونس را مباح اعلام کرده بود.

فقها با استناد به صحیح‌ه حلبی که می‌گوید: «اگر کسی دیگری را که بر روی دیوار ایستاده است بترساند و یا حیوان او را رم دهد و در اثر این امور آن فرد بیفتد و در اثر سقوط بمیرد و یا مصدوم گردد، ترساننده ضامن دیه وی خواهد بود» (حرعاملی، ۱۴۰۹ق: ۱۸۸)

دیدگاه صاحب جواهر در پذیرش ضمان با افعال زیان بار غیرمادی، تأثیر پذیری ایشان از نظری است که گویی موجبات ضمان را منحصر در اسباب شرعی و اسباب مورد اجتماع فقها می‌دانند. (نجفی، ۱۴۰۴ق: ۷۰)

در حال حاضر مواد ۴۹۹ و ۵۰۱ قانون مجازات اسلامی، احکام ناظر بر ضمان اخافه را پیش بینی کرده‌اند.

ماده ۴۹۹: هرگاه کسی دیگری را بترساند و آن شخص در اثر ترس بی‌اختیار فرار کند یا بدون اختیار حرکتی از او سر بزند که موجب ایراد صدمه به خودش یا دیگری گردد، ترساننده حسب تعاریف جنایات عمدی و غیر عمدی مسئول است.

ماده ۵۰۱: هر گاه کسی به روی شخصی سلاح بکشد یا حیوان مانند سگ را به سوی او برانگیزد و یا هر کار دیگری که موجب هراس او می‌گردد، مانند فریاد کشیدن یا انفجار صوتی انجام دهد و بر اثر این ارباب، شخص بمیرد یا مصدوم گردد، حسب مورد به قصاص یا دیه محکوم می‌شود.

بنابراین عمل ترساننده، حسب مورد، می‌تواند قتل عمدی، شبه‌عمدی یا خطای محض محسوب شود.

در حقوق افغانستان، متأسفانه مسئله مورد نظر پیش‌بینی نشده است؛ البته در نظام‌نامه جزای عمومی ۳۰ جوزای ۱۳۰۶ در ماده ۱۵۳ این مسئله پیش‌بینی شده بود: «کسی که محض به غرض تخویف و تهدید سلاح بکشد از یک ماه تا سه ماه حبس در پی دارد».

و در ماده ۱۶۱ همان قانون می‌گوید:

شخصی که نامه تهدید قتل بفرستد بدین مضمون که در صورت عدم ایفای مطلوبات خود او را محو و اعدام خواهد نمود، از سه سال تا پنج سال حبس و اگر تهدید شفاهاً به وقوع آید از سه ماه تا یک سال حبس محکوم می‌شود.

### ۳.۲. القائنات روانی

مراد از القائنات روانی از نظر روانشناسان تلقین نمودن و به بار نشستن یک امر بر اثر تلقین است. از نظر دانشمندان به اثبات رسیده است که تلقین می‌تواند یک آدم سالم را مریض و یا حتا بکشد، از آن سو می‌تواند یک انسانی در حال مرگ را به زندگی عادی برگرداند. از بررسی آیات و روایات می‌توان دریافت که بُعد روانی انسان با توجه به جهات متعدد و مختلفی که دارد، مهم‌تر از بعد جسمانی انسان است. (فقیهی، ۱۳۸۴: ۱۱۴)

در رابطه با جنایات اتفاق افتاده بر اثر تأثیرات روانی باید گفت که این یک حقیقت انکار ناپذیر است، اگرچه در تاریخ به طور دقیق ثبت نشده باشد که این هم دلیل دارد. اولاً ثبوت وجود رابطه سببیت بین فعل روانی و وقوع جنایت دشوار است، چون اثر ظاهری ندارد. ثانیاً کلاً عامل اصلی در وقوع جرم و جنایت در واقع روان انسان می‌باشد و جسم به منزله یک ابزار در اختیار روح و روان انسان است.

قانونگذار جمهوری اسلامی ایران در قانون مجازات اسلامی در ماده ۵۰۰ می‌گوید:

ماده ۵۰۰: هر کس در قالب فرقه، گروه، جمعیت یا مانند آن و استفاده از شیوه‌های کنترل ذهن و القائنات روانی در فضای واقعی یا مجازی مرتکب اقدامات زیر گردد، چنانچه رفتار وی مشمول حد نباشد به حبس و جزای نقدی درجه پنج یا یکی از این دو مجازات و محرومیت از حقوق اجتماعی درجه پنج محکوم می‌گردد.

### ۳.۳. سحر و جادو

فقه‌های امامیه در مورد سحر نظریه یکسانی ندارند؛ برخی معتقدند که سحر حقیقت دارد و برخی دیگر بر این اعتقادند که برای سحر حقیقتی نیست و سحر خرافاتی بیش نیست. مرحوم فخر المحققین ادعا کرده است که حرمت سحر و جادو از ضروریات دین اسلام است و هر کسی که جادو را حلال و جایز بداند کافر است. (عارفی بشی، ۱۳۸۳)

مرحوم شیخ انصاری گفته است: هر چند از اجماع علما در این خصوص اطمینان نداریم، ولی ادعای ضروری دین از چیزهای است که ما مطمئن به حرمت این عمل می‌شویم و علما در همه اعصار بر حرمت جادو و جادوگری اتفاق داشته‌اند. (انصاری، ۱۴۲۰ق)

در تفسیر نمونه ذیل تفسیر آیه ۱۰۲ سوره بقره آورده‌اند سحر در اسلام ممنوع و از گناهان کبیره است، چرا که در بسیاری از موارد باعث گمراه ساختن مردم و تحریف حقایق و متزلزل ساختن پایه عقاید افراد ساده ذهن می‌گردد. (مکارم شیرازی، ۱۳۶۹)

اگر از طریق سحر کسی را به قتل برساند و از قیل بداند که این سحر سبب قتل او می‌شود، قتل او وقتی عمدی است که از اول قصد کشتن او به این طریق را داشته باشد



وگرنه شبه عمد است، حال چه اینکه بگوییم سحر واقعیت دارد یا نه، و اگر سحری که او کرده نوعاً سبب قتل کسی می‌شود، قتلش عمدی خواهد بود، هرچند که قصد کشتن کسی را نداشته باشد. (موسوی همدانی، بی‌تا)

علامه مجلسی در این زمینه می‌گوید: سحر از گناهان کبیره است و اگر مسلمانی جادو کند و ثابت شود، او را می‌کشند و اگر کافری جادو کند و در امان باشد، او را تعزیر می‌کنند. (مجلسی، بی‌تا)

در کتاب الفقه علی المذاهب الاربعه تحت عنوان «مبحث الکبائر من الذنوب»، روایتی از ابوهریره نقل شده که آورده است:

عن النبی ﷺ قال: اجتنبوا السبع الموبقات. قالوا یا رسول الله و ما هن؟ قال: الشکر بالله و السحر و قتل النفس التي حرم الله الا بالحق و أکل المال الیتیم و التولی یوم الزحف و قذف المحسنات المومنات الغافلات. (الجزیری، بی‌تا: ۴۶۰)

وی در ادامه نظر شافعیه و حنابله را به این شکل نقل می‌کند: «قالوا: ان للسحر له حقیقه مؤثره و قدیموت المحسور بسبب السحره اوبالتغییر طبعه و عاده و...».

با تحولی که در قرن هجدهم در حقوق جزا شکل گرفت، جرم‌انگاری جادوگری بر مبنای جدیدی استوار شد. منشأ جدید، منافع بشریت و حفظ حقوق و آزادی‌های اوست. در اکثریت جوامع جرم‌انگاری جادوگری در دو حالت پذیرفته می‌شود؛ در صورتی که برای انجام جادوگری، جرمی ارتکاب یابد و نیز در صورتی که جادوگری منجر به یک نتیجه مجرمانه گردد.

تدوین‌کنندگان لایحه قانون مجازات اسلامی نیز در بند ۵ ماده ۳-۲۱۱ سحر را به عنوان یکی از جرایمی که در شرع مقدس برای آن مجازات حدی تعیین شده ذکر نموده و در ماده ۱۲-۲۲۵ آورده‌اند: «مسلمانی که با سحر و جادو سروکار داشته و آن را در جامعه به عنوان حرفه یا فرقه‌ای ترویج نماید، محکوم به قتل است».

سایر مصادیقی که به صورت جسته‌وگریخته در کتاب‌های حقوقی ذکر شده است عبارت‌اند از:

۱. ایجاد شوک عصبی با اطلاع دادن اخبار خوشایند و ناخوشایند

در مطالعات جهت یافتن مصادیق برای افعال غیر مادی به عناوینی مثل اعلامیه دروغ فوت تنها فرزند یک شخص، ذوق‌زدگی بیش از حد، خیر دروغ برنده شدن در یک مسابقه بخت‌آزمایی بزرگ، پخش صحنه‌های هیجان برانگیز از تلویزیون و... که در نتیجه منجر به مرگ شود، برمی‌خوریم، لذا برای دستیابی به تحلیل و بررسی تأثیر این

مقولات، انتخاب عنوان «ایجاد شوک عصبی از طریق اطلاع دادن اخبار خوشایند و ناخوشایند» شاید موجب تسهیل بحث و بررسی مقولات فوق الذکر گردد.

بنابراین در اینجا به بررسی شوک عصبی پرداخته می‌شود و بعد از تفهیم شوک و سیستم عصبی انسان، در جای خودش مورد بحث قرار خواهد گرفت که آیا ایجاد شوک بر سیستم عصبی انسان دارای منشأ اثر در فقه و حقوق خواهد بود یا خیر؟

واژه شوک، توسط جامعه پزشکی و عامه مردم با معانی متفاوتی استفاده می‌شود. مفهوم آن در باور عامه یک واکنش عاطفی شدید به موقعیتی استرس‌آور یا خیر بد است. تعریف پزشکی شوک اما بسیار متفاوت است؛ از نظر پزشکی، شوک به عنوان شرایطی توصیف می‌شود که در آن بافت‌های بدن اکسیژن و مواد مغذی کافی برای حفظ عملکرد سلول‌ها دریافت نمی‌کنند. این در نهایت به مرگ سلولی، نقص عملکرد اندام‌ها و سرانجام در صورت عدم درمان به اختلال عملکرد کل بدن و مرگ منتهی می‌شود.

از برابند گزارش‌های پزشکان متخصص مغز و اعصاب و علوم رفتاری این گونه در می‌یابیم که شوک حالتی است که بر اثر آن فعالیت طبیعی اعضاء بدن دچار اختلال می‌شود.

طبق یافته‌های یک گزارش ۶۰٪ از علل مرگ و میرها به شوک‌های عصبی اختصاص می‌یابد. هر اتفاقی که بتواند سیستم عصبی خودکار افراد را دچار فشار کند، شوک تلقی می‌شود.

سیستم عصبی افراد طی شبانه‌روز، فشارخون، ضربان قلب، گوارش و هورمون‌های بدن را به صورت خودکار کنترل می‌کند. هر رخدادی که منجر به تحت تأثیر قرار گرفتن این سیستم شود می‌تواند منجر به شوک شود. این شوک بسته به عوامل مختلفی از جمله به میزان تأثیر پذیری بدن افراد قادر است بر فشار خون، ضربان قلب و یا بر نحوه گردش خون به سمت مغز اثر مستقیم داشته باشد و فرد را از حالت عادی خارج کند. در مواردی فرد دچار بیهوشی، عدم کنترل، حالت بیرون‌روی، تپش قلب، تنگی نفس و بی‌قراری می‌شود که در واقع هریک از این علائم بر حسب شدت شوک تظاهر می‌یابند. از طرف دیگر، شدت شوک در مواقعی باعث طولانی شدن علائم می‌شود، به طوری که مدت زمان طولانی فرد درگیر این علائم می‌ماند و بعد از اینکه این حالت برطرف شد، اگر ضربه عمیق باشد فرد دچار علائم پس از شوک خواهد شد.

این نشانه‌ها ممکن است ماه‌ها و حتی سال‌ها به طول انجامد و منجر به بروز عوارضی نظیر کاهش حافظه و بروز رفتارهای غیر عادی شود که در این حالات فرد نیاز به مصرف داروهای اعصاب دارد.

کدام اختلالات روانی ممکن است به دنبال بروز شوک عصبی شدید نمود پیدا کند؟ بعد از وقوع ترومای عصبی و شوک شدید، ممکن است فرد دچار حالت‌های مداوم

در سیستم عصبی شود و این مسئله اختلال حاد را برای او به وجود آورد. منتقل شدن به فاز افسردگی، عصبانیت شدید اختلال خلق و یا ورود به فاز سرخوشی از این جمله هستند. این گزارش پزشکی در خبرگزاری «سینا پرس» از آقای دکتر داریوش نسبی تهرانی نقل شده است. وی در خصوص این موضوع که «شوک عصبی می‌تواند یک دلیل عمده مرگ و میرهای ناگهانی باشد» عنوان می‌کند که بخش از این مسئله وابسته به فیزیولوژی فردی است، به این معنا که فرد بیمار از ابتدا حائز نقص در سیستم ایمنی بدن باشد و در واقع زمینه خطر را داشته باشد که این شوک منجر به مرگ ناگهانی در او شود، لیکن موارد دیگری وجود دارد که افراد علی‌رغم نداشتن پیش‌زمینه به دلیل فشار بالای استرس به ایست قلبی مبتلا شده و فوت کرده‌اند و حتا دچار مرگ مغزی شده‌اند. در فقه نیز این مسئله مورد توجه قرار گرفته است.

س ۱۶۹) اگر فردی در حالت و وضعیتی باشد که با شنیدن خبر ناگوار احتمال مرگش می‌رود و شخصی با اطلاع از این موضوع به قصد قتل وی، به وسیله تلفن خبر ناگواری به اطلاع وی می‌رساند و آن فرد هم بر اثر شنیدن آن خبر، فوت می‌نماید، حکم قضیه چگونه است؟ (ج) قتل عمدی است و مورد مانند بقیه موارد قتل تسبیبی است. (صانعی، ۱۳۸۸: ۱۶)

#### ۴.۳. شور چشمی یا چشم زخم

با توجه به نظریات ارائه شده در مورد این مسئله از طرف صاحب‌نظران، ظاهراً شور بودن چشم برخی از انسان‌ها به ذات و باطن درونی آن‌ها بستگی دارد. این نظریه را عرف عامیانه برخی از جوامع اسلامی تأیید می‌کند که متأسفانه بر اثر عقیده‌ای که دارند با چاشنی تلقین منفی، این حادثه ناگوار را خودبه‌خود به وجود می‌آورند. (مکارم شیرازی، ۱۳۶۹: ۴۲۶)

گفتنی است که چه بسا بیش از تأثیری که شوری چشم دیگران بر زندگی ما دارد، خود همین تلقین که ما دیدن فرد شور چشم، انتظار حادثه‌ای بد را می‌کشید در عملکرد شما اثر گذاشته و به تجربه ثابت شده است که قدرت تخریبی همین تلقین به مراتب بیشتر از اثر چشم شور است، لذا نه تنها حوادثی که هر بار با آمدن آن فرد خاص برای ما و اطرافیان مان رخ می‌دهد اتفاقی نیست، بلکه غالب آن رویدادهای تلخ با آمدن و حضور آن فرد مرتبط می‌باشد، زیرا همین تلقین در ضمیر ناخودآگاه شما و سایر افراد باعث می‌شود که خود به خود انتظار حادثه‌ای بدی را می‌کنند. شبیه همین انتظاری که هم اکنون شما به صورت ناخواسته در این مورد دارد.

چه اینکه باید توجه داشت در برخی از مواقع شور چشم بودن افراد ربطی به گناهان و اعتقادات آن‌ها ندارد و صرفاً یک قدرت ویژه و انرژی مضاعف ناخواسته می‌باشد که با عوامل طبیعی و فیزیکی و یا ژنتیکی در چشم افراد ظاهر می‌شود. (همان: ۴۲۴)

در تفسیر التبیان، ذیل تفسیر آیه مبارکه «وان یکاد» می‌گوید:

و یکاد بصرعه بحدۀ نظره، وقیل کان الرجل اذا اراد ان یصیب صاحبه بالعین تجوع ثلاثه ایام ثم نظره فیصرعه بذالک، والمفسرون کلهم علی ان المراد بالازلاقهم له ببصارهم من اصابه بالعین.

با توجه به جملات فوق به این نتیجه می‌رسیم که اولاً شور چشمی حقیقت دارد، «بازلاقهم»؛ اصابت با چشم، ثانیاً شور چشمی با ریاضت قابل پرورش می‌باشد «تجوع ثلاثه ایام». ثالثاً تأثیر شور چشمی از روی خشم و عداوت سابقه تاریخی دارد، «بحدۀ نظره».

پس می‌توان سوء نیت را در تأثیر شور چشمی ثابت نمود و شور چشمی با سوء نیت را جرم تلقی کرد. واضح است اشخاصی که ذاتاً شور چشم بوده و سوء نیت بر آن تأثیر نداشته باشد، در صورت بروز حادثه مسئولیت تکلیفی نخواهند داشت.

در کتب روایی اهل سنت از جمله بر اساس یکی از آن روایات از نظر اهل سنت چشم زخم واقعیت دارد. (بخاری، ۱۴۰۷:ق: ۲۴)

علامه طباطبایی در این رابطه می‌گوید: چشم زدن نوعی از تأثیرات نفسانی است و دلیل عقلی بر نفی آن نداریم، بلکه حادثی دیده شده که با چشم زدن منطبق است و روایاتی طبق آن وارد شده و دلیلی ندارد که آن را انکار نموده و بگوییم عقیده خرافی است. (طباطبایی، ۱۳۷۰: ۸۶)

آیه شریفه ﴿وَإِنْ يَكَادُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَيُزْلِقُونَكَ بِأَبْصَارِهِمْ لَمَّا سَمِعُوا الذِّكْرَ وَ يَقُولُونَ إِنَّهُ لَمَجْنُونٌ﴾ (قلم: ۵۱) معروف است برای جلوگیری از چشم‌زخم که همه مسلمانان به این باور و عقیده‌اند که این آیه شریفه از چشم‌زخم و شور چشمی جلوگیری می‌کند.

به نظر می‌رسد اصل شور چشمی قابل انکار نیست، ولی علل مسئله از دیدگاه دانش بشری کاملاً مشخص نیست، هر چند در این مورد نظریه‌هایی ابراز شده است. از آن جمله گفته شده بسیاری معتقدند که در برخی از چشم‌ها نیروی مغناطیسی خاص نهفته است که کارایی زیادی دارد و حتا با تمرین و ممارست می‌توان آن را پرورش داد.

خواب مغناطیسی از طریق نیروی مغناطیسی چشم‌ها است. حال با پذیرش وجود نیرو در برخی از چشم‌ها که از طریق امواج به خصوص در دیگرن اثر بگذارد، امر عجیبی نخواهد بود، چه اینکه روح انسان‌ها بر اثر ریاضت به درجه‌هایی می‌رسد که آثاری در جسم برجای می‌گذارد. حال جسم گاهی اعضای بدن است که شمشیر و سوزن و میخ و

آتش در آن اثر نمی‌کند و گاهی چشم است که می‌تواند آثاری بر جای گذارد که چشم زخم از آن جمله می‌باشد. (مکارم شیرازی، ۱۳۶۹: ۴۲۶)

پس اگرچه علل و عوامل مسئله از جهت علمی کاملاً روشن نمی‌باشد، اما جایی برای انکار مسئله وجود ندارد، چون نظریه‌های علمی نمی‌تواند خلاف آن را ثابت کند. با توجه به نظریات ارائه شده در مورد این مسئله از طرف صاحب‌نظران، ظاهراً شور بودن چشم برخی از انسان‌ها به ذات و باطن درونی آن‌ها بستگی دارد. این نظریه را عرف عامیانه برخی از جوامع اسلامی تأیید می‌کند که متأسفانه بر اثر عقیده‌ای که دارند با چاشنی تلقین منفی، این حادثه ناگوار را خودبه‌خود به وجود می‌آورند.

در حقوق افغانستان به دلیل ارجاع آن به فقه حنفی درباره تأثیر شورچشمی در حقوق کیفری مطالبی وجود ندارد و در نتیجه آن این عنوان نیز ضمانت اجرای قانونی ندارد. تنها می‌توان به نظریه دانشمندان حقوق در باره اتأثیر افعال غیر مادی متوسل شد. در این زمینه، دکتر حجت‌الله ذاکری در مورد تأثیر افعال غیر مادی می‌گوید:

بعضی‌ها را عقیده بر این است که علت قتل باید امری باشد، مانند زدن، بریدن و غیر آن‌ها، پس صدمات روحی و معنوی هرچه قدر هم که شدید باشد، مؤثر نخواهد بود، زیرا عرفاً و در عالم ماده از نظر فیزیکی قادر به سلب حیات نمی‌باشد.

ایشان برای ردّ این عقیده به دیدگاه موافق فقها در این زمینه استناد کرده که افعال غیر مادی را صالح در سلب حیات دانسته‌اند.

و در نهایت می‌گوید:

از آنجایی که در تعریف قتل «سلب حیات» مقید و مخصصی وجود ندارد، در نتیجه قتل ناشی از افعال غیر مادی را نیز مؤثر دانسته‌اند و ارتکاب قتل با هر نوع فعلی اعم از مادی و غیر مادی (معنوی) حتا از قبیل ارسال اشعه‌های مختلف و پیام‌های مرموز رادیویی و هر وسیله دیگری را که از ناحیه مجرم، علت مرگ مجنی‌علیه گردد، قتل دانسته و عامل را به عنوان قاتل مستحق مجازات می‌دانند.

مسلم است که در صورت عدوانی بودن هر نوع فعلی که منجر به سلب حیات شخص گردد، به عنوان قاتل مستحق مجازات می‌باشد.

### ۳.۵. انتقال ویروس‌های واگیردار و مسری

بنا به تعریف ارائه شده از فعل غیرمادی، یکی دیگر از مصادیق افعال غیرمادی در قتل، انتقال ویروس‌های واگیردار و مسری می‌باشد. اگرچه تا چند سال گذشته

شاخص‌ترین و شایع‌ترین موارد آن «ایدز» یا همان ویروس HIV بود، اما امروزه با شیوع ویروس کرونا در سرتاسر جهان و چالش‌هایی که شیوع این بیماری واگیردار و نسبتاً کشنده در جوامع بشری به وجود آورده است، علاوه بر تمهیدات لازم برای جلوگیری از انتشار آن، تدوین قوانین مناسب با این بیماری جهت سلامت جامعه و حمایت از قربانیان نگون بخت ناشی از این بیماری یک ضرورت به نظر می‌رسد. در منابع فقهی، به صراحت به این امر اشاره نشده است، ولی با این حال استفتای یکی از فقها در این زمینه می‌تواند راهگشا باشد:

سؤال ۱۷۰: اگر فردی با علم به اینکه مبتلا به بیماری کشنده ایدز می‌باشد و مبتلایان به این بیماری در آینده نه چندان دور، جان خود را ازدست می‌دهند و نیز با علم به اینکه یکی از شایع‌ترین راه‌های انتقال این بیماری به افراد دیگر از طریق برقراری تماس جنسی می‌باشد، عمداً با برقراری تماس نامشروع جنسی با دیگر افراد جامعه به قصد مبتلا کردن آن‌ها به بیماری ایدز، عده‌ای را به این بیماری دچار کند هر چند تا به حال هم کسی از مبتلا شدگان توسط فرد مورد نظر نمرده باشد چه کیفری مقرر است؟

جواب: این گونه اعمال جزو معاصی کبیره است که تعزیر و مجازات دارد و اگر متوجه احتمال تلف شدن و مردن طرف بوده و این امر پزشکی و بهداشتی را می‌دانسته، با فرض مردن بیمار، جرمش قتل عمدی می‌باشد و موجب قصاص است. (صانعی، ۱۳۸۸: ۶۳)

انتقال بیماری‌های نوعاً یا نسبتاً کشنده همانند ایدز، کرونا و... ممکن است در یک فرایند تدریجی، دیر یا زود، سبب مرگ فردی که به او منتقل شده است شود. با توجه به این موارد، جرایمی که به این شکل صورت می‌گیرد جزو جرایم مرتبط با تمامیت جسمانی فرد است که با توجه به عنصر روانی و شدت ضرر و مهم‌تر اینکه نوعاً یا نسبتاً کشنده بودن عامل بیماری می‌توان انواع مختلف از آن را ارائه نمود. در بند ب ماده ۲۹۰ و همچنین مواد ۴۹۲ و ۴۹۳ حقوق کیفری به این مطلب اشاره شده است:

ماده ۲۹۰- جنایت در موارد زیر عمدی محسوب می‌شود:

ب) هرگاه مرتکب، عمداً کاری انجام دهد که نوعاً موجب جنایت واقع شده یا نظیر آن، می‌گردد، هرچند قصد ارتکاب آن جنایت و نظیر آن را نداشته باشد، ولی آگاه و متوجه بوده که آن کار نوعاً موجب آن جنایت یا نظیر آن می‌شود.

پ) هرگاه مرتکب قصد ارتکاب جنایت واقع شده یا نظیر آن را نداشته و کاری را هم که انجام داده است، نسبت به افراد متعارف نوعاً موجب جنایت

واقع شده یا نظیر آن، نمی‌شود، لیکن درخصوص مجنی علیه، به علت بیماری، ضعف، پیری یا هر وضعیت دیگر و یا به علت وضعیت خاص مکانی یا زمانی نوعاً موجب آن جنایت یا نظیر آن می‌شود مشروط بر آنکه مرتکب به وضعیت نامتعارف مجنی علیه یا وضعیت خاص مکانی یا زمانی آگاه و متوجه باشد.

تبصره ۱: در بند (ب) عدم آگاهی و توجه مرتکب باید اثبات گردد و در صورت عدم اثبات، جنایت عمدی است مگر جنایت واقع شده فقط به علت حساسیت زیاد موضع آسیب، واقع شده باشد و حساسیت زیاد موضع آسیب نیز غالباً شناخته شده نباشد که در این صورت آگاهی و توجه مرتکب باید اثبات شود و در صورت عدم اثبات، جنایت عمدی ثابت نمی‌شود.

تبصره ۲: در بند (پ) باید آگاهی و توجه مرتکب به اینکه کار نوعاً نسبت به مجنی علیه، موجب جنایت واقع شده یا نظیر آن می‌شود ثابت گردد و در صورت عدم اثبات، جنایت عمدی ثابت نمی‌شود.

ماده ۴۹۲: جنایت در صورتی موجب قصاص یا دیه است که نتیجه حاصله مستند به رفتار مرتکب باشد اعم از آنکه به نحو مباشرت یا به تسبیب یا به اجتماع آن‌ها انجام شود.

ماده ۴۹۳: وجود فاصله زمانی، میان رفتار مرتکب و نتیجه ناشی از آن، مانع از تحقق جنایت نیست، مانند فوت ناشی از انتقال عامل بیماری کشنده که حسب مورد موجب قصاص یا دیه است. حکم این ماده و ماده (۴۹۲) این قانون در مورد کلیه جرایم جاری است.

## نتیجه‌گیری

همان‌گونه که ملاحظه شد از مجموع مطالب ارائه شده در این پژوهش می‌توان این‌گونه نتیجه‌گیری کرد که جرم قتل یکی از جرایم خشونت‌آمیزی است که سبب سلب حیات انسان می‌گردد. مهم‌ترین حق انسان، حق حیات است و سایر حقوق انسان از این حق نشئت می‌گیرد، زیرا اگر زندگی و حیاتی نباشد، حقوق دیگر مصداقی نخواهد داشت. حیات وزندگی بزرگ‌ترین موهبت الهی است که به انسان داده شده است، بنابراین احدی به هیچ وجه حق از بین بردن و یا تضعیف کردن آن را ندارد. از آنجایی که سلب حیات صدمه نهایی به انسان است، لذا قتل، شدیدترین صدمه‌ای است که بر انسان وارد می‌گردد، بنابراین موضوع جرم قتل حیات انسان است.

جرم قتل می‌تواند با انواعی از افعال و رفتار مجرمانه صورت بگیرد. یکی از افعال و رفتاری که در فقه و قوانین موضوعه صلاحیت انتساب قتل را به خود دارد فعل یا رفتار غیرمادی است و رفتار غیرمادی ممکن است با روش‌های گوناگون موجب سلب حیات انسان گردد.

هر جرمی وقتی تحقق پیدا می‌کند که متشکل از سه عنصر مادی، معنوی و قانونی باشد. یکی از مهم‌ترین عناصر سه‌گانه، عنصر مادی جرم قتل است و رفتار مرتکب جزو اول عنصر مادی به حساب می‌آید.

در اینکه فعل یا رفتار مجرمانه را به مادی یا غیرمادی تقسیم نموده‌اند، دظاهراً ملاک اصابتی و غیر اصابتی بودن فعل است. فعل ارتكابی در صورتی که با جسم مجنی‌علیه اصابت کند و اثر ظاهری و قابل لمس درک با حواس را بر مجنی‌علیه بگذارد فعل مادی گفته می‌شود و در صورتی که رفتار مرتکب با جسم مجنی‌علیه اصابت نکند، در عین حال ظهور و بروز خارجی پیدا کند فعل غیرمادی گفته می‌شود. مراد از ظهور و بروز خارجی ذات وجودی رفتار مرتکب است که همه افعال و رفتار مرتکب اعم از رفتار مادی و غیرمادی ظهور و بروز خارجی پیدا کرده و منتهی به نتیجه می‌گردد، اما نحوه به وقوع پیوستن جرم متفاوت است.

نظر به اینکه ملاک و معیار مادی و غیرمادی بودن رفتار مرتکب را اصابتی و غیر اصابتی به جسم مجنی‌علیه بدانیم، مظاهر و مصادیق افعال غیرمادی گسترده خواهد بود (البته بدون در نظر گرفتن احراز رابطه سببیت). روی این حساب، هر نوع رفتار مجرمانه‌ای که ارتکاب یابد و بر مجنی‌علیه اثر بگذارد، اما این اثر با حواس قابل درک نباشد از مظاهر و مصادیق افعال غیرمادی خواهد بود.

در باب تأثیر رفتار غیرمادی در فقه باید گفت که فقها بیشتری از افعال و رفتار غیرمادی را دارای تأثیر می‌دانند. در متون فقهی بسیاری از رفتار غیرمادی را که موجب سلب حیات گردد متذکر شده و موجب ضمان می‌دانند. افعال یا رفتار مانند فریاد زدن، ارباب، سحر و جادو و... در صورتی که سبب مرگ مجنی‌علیه گردد با استناد به آیات و روایات ضمان آور است.

قانونگذار نیز به تبعیت از فقه اسلامی در ادوار مختلف تأثیر افعال و رفتار غیرمادی در ارتکاب جرم را مورد توجه قرار داده است.

پیشینه آن در قوانین، به سال ۱۳۴۱ بازمی‌گردد که بخش‌نامه‌ای است که در سال ۱۳۴۱ از طریق وزارت دادگستری در رابطه با مزاحمت‌های تلفنی که منجر به مرگ شونده می‌شود، خطاب به کلیه دادسراها و دادگاه‌های کشور صادر شده بود.

پس از آن، قانونگذار برای اولین بار در قانون دیات مصوب سال ۱۳۶۱ در مواد ۳۱ و ۳۲ با تأسی از فقه برای افعال غیرمادی ارزش قائل شد و در صورت تحقق قتلی با این



افعال و اثبات وجود رابطه علیت بین آن فعل و نتیجه حاصله، مرتکب برحسب مورد به قصاص یا پرداخت دیه محکوم خواهد شد. قانون مزبور به صورت آزمایشی به مدت ۵ سال حکومت کرد، اما از سال ۱۳۶۶ اعتبار قانون دیات مصوب سال ۱۳۶۱ به انقضا رسید که بر اساس اصل ۱۶۷ قانون اساسی، از قوانین مذکور به عنوان منابع معتبر فقهی استفاده و احکام مقتضی را صادر می‌کردند.

در سال ۱۳۷۰ قانون مجازات تصویب گردید؛ مقنن در قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۷۰ با پذیرش مجدد این مقوله، این بار در قالب مواد ۳۲۵ و ۳۲۶ بحث از افعال غیر مادی کرده بود. در واقع قانونگذار، مواد ۳۱ و ۳۲ قانون دیات را که ناظر به قتل با افعال غیر مادی بود بدون هیچ گونه تغییر در قالب مواد ۳۲۵ و ۳۲۶ قانون مجازات سال ۱۳۷۰ قرارداد.

اجرای آزمایشی این قانون به مدت پنج سال بود که با دو بار تمدید توسط نمایندگان مجلس اسلامی تا پایان سال ۱۳۹۰ حاکم بود و در نهایت قانون مجازات اسلامی جدید ایران که در سال ۱۳۸۸ به تصویب مجلس رسید در ۲۸ دیماه ۱۳۹۲ به تایید شورای نگهبان رسید. مقنن در قانون مصوب ۱۳۹۲ این بار بحث افعال غیر مادی را در مواد ۴۹۹ و ۵۰۱ با تغییرات جزئی نسبت به قوانین سابق بیان نموده است.

انتقال ویروس‌های نوعاً و نسبتاً کشنده می‌تواند از افعال غیرمادی به شمار آید. یکی از مرگ‌بارترین این ویروسها، ویروس ایدز HIV می‌باشد. اپیدمی ایدز یک پدیده نوظهور است که متأسفانه هنوز به صورت صریح در نظام‌های حقوقی مورد توجه قرار نگرفته است، اما با توجه به رویکرد ویرانگری که ایدز و سایر ویروس‌های کشنده در جهان دارد باید مورد توجه نظام‌های حقوقی قرار گیرد. هر چند که می‌توان برخی از مواد قانونی قوانین موضوعه را نیز بر این ویروس‌ها تطبیق داد، کما اینکه در فقه هم فقهای معاصر در این موضوع اظهار نظر کرده و انتقال ویروس‌های واگیردار و مسری را دارای منشأ اثر می‌دانند.

قابل ذکر است که با توجه به ترقی علم و پیشرفت تکنولوژی این احتمال وجود دارد که با استفاده از روش‌های علمی بدون به کارگیری آلت قتاله و بدون برخورد فیزیکی در فضای کاملاً غیرمحمسوس و غیر قابل درک با حواس رفتار صورت گیرد که موجب سلب حیات از انسان گردد، رفتار مذکور از جهت نحوه وقوع قتل شبیه به رفتار غیرمادی هستند و امکان دارد که از مظاهر و مصادیق رفتار غیر مادی به شمار آید، اما به نظر حقوق دانان در این نوع رفتار احراز رابطه سببیت ممکن نخواهد بود، زیرا در قتل اگر رابطه سببیت ثابت نگردد، عنصر مادی جرم قتل احراز نشده است.

## منابع و مأخذ:

### قرآن کریم

- انصاری مرتضی (۱۴۲۰ق)، المکاسب، قم: مجمع الفکر الاسلامی.
- آقای نیا، حسین (۱۳۹۴)، جرائم علیه اشخاص، حقوق کیفری اختصاصی، ج ۷، «شخصیت معنوی» تهران: میزان.
- بخاری، محمد بن اسماعیل (۱۴۰۷ق)، الصحيح، به کوشش مصطفی دیب البغا، بیروت: دارالفکر.
- بلخی، مولانا جلال الدین محمد (۱۳۷۱)، مثنوی معنوی، ج ۱۲، تهران: مسسه انتشارات امیرکبیر.
- الجزیری، عبدالرحمن (بی تا)، الفقه علی المذاهب الاربعه، بیروت: دار الاحیاء التراث العربی.
- الحر العاملی، شیخ محمد بن حسن (۱۴۰۹ق)، وسایل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، بیروت: دار الاحیاء التراث العربی.
- سالاری خالص، روح الله (۱۳۹۶)، تأثیر رفتار غیرمادی در ماهیت قتل در حقوق کیفری ایران (پایان نامه)، دانشگاه گیلان.
- سپهوند، امیر خان (۱۳۸۶)، جرایم علیه اشخاص، تهران: مجد.
- صادقی، محمدهادی (۱۳۹۴)، جرائم علیه اشخاص، ج ۲۱، تهران: میزان.
- صانعی، یوسف (۱۳۸۸)، استفتائات قضایی، ج ۳، قم: انتشارات پرتو خورشید.
- طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۷۰)، تفسیر المیزان، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، ج ۴، تهران: امیرکبیر.
- عارفی بشی، علی (۱۳۸۳) ایضاح المطالب ایضاح المطالب فی شرح المکاسب لشیخنا الانصاری، قم: انتشارات فقه.
- فقیهی، علی النقی (۱۳۸۴)، بهداشت و سلامت روان در آیین علم و دین، ج ۱، تهران: قدس.

- قرشی، سید علی اکبر (۱۳۶۱)، قاموس قرآن، ج ۸، قم: دارالکتب الاسلامیه.
  - گلدوزیان، ایرج (۱۳۸۰)، بایسته های حقوق جزای عمومی (۱-۲-۳)، ج ۴، تهران: نشر میزان.
  - مجلسی، محمدباقر (بی تا)، رساله حدود، قصاص و دیات، قم: نشر آثار اسلامی.
  - مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۶۹)، تفسیر نمونه، ج ۶، قم: دارالکتب اسلامیه.
  - موسوی همدانی، سید محمدباقر (بی تا)، ترجمه تحریر الوسيله امام خمینی علیه السلام، قم: دارالعلم.
  - نجفی، محمد حسن (۱۴۰۴ق)، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، ج ۷، بیروت: دار الاحیاء التراث العربی.
- قوانین
- قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۹۲).
  - کد جزای افغانستان (مصوب ۱۳۹۶).